



رساله‌ای ناشناخته در تبیین شیوه‌های نفوذ استعمار انگلستان در کشورهای اسلامی

محمد حسن رجبی

رساله‌ای که فراروی خوانندگان گرامی قرار دارد رساله کوچک و کم‌نظیر، بلکه بی‌نظیری از سید صدرالدین صدر در شیوه‌های نفوذ استعمار انگلیس در سرزمین‌های اسلامی است که در شهر نجف اشرف نوشته شده و در روزنامه فارسی‌زبان شمس که به مدیریت سید حسن شمس در اسلامبول منتشر می‌شد، به تاریخ ۶ صفر ۱۳۲۹ق (۱۶ بهمن ۱۲۸۹ش) در شماره ۱۰، سال سوم آن روزنامه (البته هفته‌نامه) انتشار یافته است.

نویسنده مقاله از خاندان مشهور علمی صدر و فرزند سید اسماعیل صدر، از مراجع معروف شیعه عتبات عالیات و از شاگردان میرزای شیرازی است که پس از رحلت میرزا، از سامرا به کربلا مهاجرت کرد و در آنجا به تدریس و تعلیم پرداخت و حوزه علمیه مهمی را در آن شهر مقدس تشکیل داد. وی شاگردان مبرزی تربیت نمود که از جمله آنها می‌توان به میرزای نائینی، سید شرف‌الدین عاملی و حاج سید حسین فشارکی اشاره کرد.

فرزند او سید محمدعلی، ملقب به صدرالدین در سال ۱۲۹۹ق در کاظمین به دنیا آمد. پس از گذراندن دروس مقدمات و سطح، در درس خارج پدر و آیات عظام: آخوند خراسانی



و سید کاظم طباطبایی یزدی حاضر شد و از آنان اجازه اجتهاد دریافت کرد. در جریان انقلاب مشروطیت، وی به تأسی از استادان خود؛ آخوند خراسانی و پدرش شرکت فعالی داشت و با نگارش نامه‌هایی به رجال کشور و مقالاتی در جراید فارسی زبان در ایران و هند و عثمانی، به افشای دسایس استعمار انگلستان در سرزمین‌های اسلامی پرداخت و مسلمانان را به کنار گذاردن اختلافات داخلی و اتحاد کلمه در حفظ استقلال سرزمین‌های اسلامی و دفع نفوذ سیاسی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی استعمار دعوت کرد. او در آن زمان بیش از سی سال نداشت و سال بعد در مهاجرت اعتراض آمیز مراجع، علما، فضلا و روحانیون عتبات عالیات علیه سیاست استعماری انگلیس در عراق در جریان قیومیت عراق پس از سقوط امپراتوری عثمانی، به کاظمین به قصد حرکت به سمت ایران که بعد از رحلت آخوند خراسانی صورت گرفت، شرکت داشت. همچنین مواضع ضد صهیونیستی آشکاری اتخاذ کرد و از منادیان «تقریب مذاهب اسلامی» به شمار می‌رفت.

وی در سال ۱۳۳۱ق به دلیل شرایط سختی که استعمار انگلیس در عراق علیه علمای شیعه ایجاد کرد به ایران مهاجرت نمود و در شهر مقدس مشهد سکنی گزید. در سال ۱۳۳۷ق بار دیگر به عراق بازگشت تا از پدرش که سخت بیمار شده بود پرستاری کند. بعد از فوت پدر، در سال ۱۳۳۸ق یا سال پس از آن، بار دیگر به ایران بازگشت و در مشهد مقدس سکونت کرد و به تدریس و اقامه جماعت و وعظ و ارشاد پرداخت. در سال ۱۳۴۴ق مجدداً به نجف بازگشت و به مدت دو سال ملازم دروس فقه و اصول میرزای نائینی بود. سپس به کشور بازگشت و به خواهش آیت‌الله حاج شیخ عبدالکریم حائری دو سال در حوزه جدیدالتأسیس قم تدریس کرد و در ۱۳۴۸ یا ۱۳۴۹ق بار دیگر به مشهد مقدس رفت و به تدریس و اقامه جماعت در مسجد گوهرشاد پرداخت. مجلس درس خارج فقه و اصول او از مهمترین مجالس درسی حوزه مشهد به شمار می‌رفت.

وی سپس به قم مراجعت کرد و تارحلت آیت‌الله حائری (۱۳۱۵ق) در حوزه علمیه قم به تدریس و تألیف و تصنیف و اقامه جماعت اشتغال داشت. بعد از رحلت آیت‌الله حائری وی همراه با آیات عظام سید محمد حجت کوه‌کمری و سید محمد تقی خوانساری (که به مراجع ثلاث معروف‌اند) حوزه علمیه قم را اداره کردند. صدر از جمله کسانی بود که از آیت‌الله بروجردی جهت ترک بروجرد و اقامت در قم دعوت به عمل آورد و پس از پذیرش ایشان و مهاجرت به قم در سال ۱۳۲۳ش، آن سه نفر ریاست و اداره حوزه را به ایشان تفویض کردند و آیت‌الله صدر نیز اقامه جماعتش را در صحن بزرگ حضرت معصومه (س) به آیت‌الله بروجردی واگذار کرد.

سرانجام پس از عمری تلاش خستگی ناپذیر، آیت‌الله صدر در ۵ آذر ۱۳۳۲ در شهر قم رحلت نمود و آیت‌الله بروجردی بر پیکرش نماز خواند و در کنار آرامگاه آیت‌الله حائری در حرم مطهر حضرت معصومه (س) به خاک سپرده شد.

مدرس تبریزی که خود از عالمان، ادیبان و تراجم‌نگاران معروف زمان خود به شمار می‌رفت و از نزدیک او را می‌شناخته، شرح حالش را در کتاب معروف خود، *ریحانه‌الادب*، به اختصار تمام نوشته، و پیرامون مقام علمی و اخلاقی او می‌نویسد:

... حاوی لوای علم و ادب، جامع شرافت حسب و فضیلت نسب...
حاوی فروع و اصول، و فقیهی است اصولی، محدث رجالی، محقق مدقق، عمیق‌النظر، دقیق‌الفکر، و ادیب اریب، شاعر ماهر که در تمامی علوم عربیه و فنون شعریه و ادبیه دستی توانا و یدی بیضا داشته و از اکابر علما و مراجع و زعمای عصر حاضر ما می‌باشد، بالخصوص در مکارم اخلاق، طاق به اجداد طاهرین خود، وارث بالاستحقاق، دارای کمالات نفسانیه و معنویه بوده و گوی سبقت از دیگران ربوده است.^۱

وی کتاب‌های زیادی در فقه، اصول، رجال و ادبیات به زبان‌های فارسی و عربی نوشت و دیوان شعری نیز از وی به جا مانده است. سید صدرالدین صدر، رساله حاضر را در زمان حیات آخوند خراسانی و حدود یک سال قبل از رحلت او به رشته تحریر در آورده که نشان‌دهنده اشرف و اطلاع کامل وی به همه وجوه سیاسی، نظامی، اقتصادی، و فرهنگی استعمار انگلستان و نقشه راه آن کشور در سرزمین‌های اسلامی است.

این رساله پس از گذشت یکصد و ده سال از زمان انتشار در روزنامه شمس، برای نخستین بار است که با توضیحات لازم انتشار می‌یابد.





انگلیس در مستعمرات

نگارنده: سید صدرالدین صدر

موضوع: شیوه‌های سیاست استعماری انگلستان

تاریخ: ۶ صفر ۱۳۲۹ق/ ۱۶ بهمن ۱۲۸۹ش

دولت بریتانیا که امروزه اولین دول عالم است در کثرت مستعمرات، آخرین دول اروپا بود در استعمار، و بعد از پرتغال^۱ و اسپانیا و هولندا و فرانسه، قدم حزم در این میدان نهاد و از زمان وزیر دانشمند مستر ولیم بت^۲ روز به روز مستعمرات او در قطعات پنج‌گانه زمین رو به زیادی گذاشت و خود را به «سلطان بحر» در تمام عالم معروف نمود. اغراض دول در استعمار و استملاک^۳ زیاد و طریق پیشرفت مقاصد ایشان مختلف و فعلاً در صد بیان این نیستیم، فقط عرض بیان، سیاست انگلیس است در مستعمرات که به برکت آن تا به حال از قبضه تصرف او بیرون نرفته و به این زودی‌ها هم نخواهد رفت. بلی، دولتی که بر امور دهگانه ذیل رفتار نماید و سیاست خود را در این امور قرار دهد، به بقای مستعمرات خود کامیاب خواهد شد:

اول، جلب ارباب نفوذ. چون طبقه سُفلی^۴ از مردم، حقوق خود را نمی‌داند، پیوسته در تحت نفوذ طبقه عُلیا^۵ و سلطه بزرگان می‌باشند. چنان خیال می‌کند که اسیری خود و امارت^۶ ارباب نفوذ، خلقی و طبیعی است که قابل رفع و دفع نیست (همه بندگان اند خسر و پرست) و لازمه^۷ این حال، میلشان است یا به طرفی که صاحبان نفوذ میل می‌کنند و عدم تخطی از اوامر و نواهی آنها این شقاقلوس^۸ ترقی و سم قاتل مدنیت در ملل جاهل موجود، و انگلیس این را به خوبی فهمیده، حقیقت امر را به دست آورده که به مجرد دخول در یک قُطر^۹ ی و

۱. در اصل: پرتغال

۲. ویلیام بیت (۱۷۰۸-۱۷۷۸)، ملقب به اولین سیاستمدار، خطیب و رئیس دولت انگلستان. او در رزم آرایبی و انتخاب فرماندهان نظامی و دریایی، چنان حسن تشخیص از خود نشان داد که پیروزی‌های درخشان و پی در پی نصیب انگلستان گردید تا جایی که سال ۱۷۵۹ به «سال پیروزی» معروف شد. او با دادن کمک‌های مالی و نظامی به فردریک کبیر، فرانسه را در اروپا مشغول کرد و بدین وسیله دریاهای تحت فرمان بریتانیا در آورد و فرانسه را از کانادا و هند بیرون راند.

۳. تصرف کردن

۴. پایین‌تر (مؤنث اسفل)

۵. بالاتر (مؤنث اعلی)

۶. فرمانروایی

۷. در اصل: لازم

۸. شقاقلوس یا قانقاریا (اصطلاحی یونانی)، فساد و مرگ هر یک از بافت‌های بدن بر اثر قطع خون‌رسانی به عضو، و به دنبال آن، تهاجم و عفونت باکتری‌ها.

۹. ناحیه، منطقه

احتلال^۱ یک مصر^۲، قلوب ارباب نفوذ و دل‌های صاحبان سلطه مطلقه را به جانب خویش جلب می‌کند به هر طریقی که ممکن شود. و انسان بالطبع و الخلقه طماع [است]، اگر صاحب وجدان و حس شریفی نباشد.

طبقه علیا که هزار یک ملت نمی‌شود و صاحب نفوذ است، اگر به طرف انگلیس میل کرد، سایر طبقات که از جایی خبر ندارند، خواهی نخواهی میل خواهند کرد. بعد از چندی قلوب عامه مردم به طرف انگلیس متوجه می‌گردد و تابع بزرگان خود در مداحی و ثناخوانی دولت انگلیس خواهند شد، و بالفرض دولت غیر از این غرضی ندارد.

دوم، اعانت زارعین و ارباب صنایع. ملل جاهل و اقوام نادان غالباً نظرشان قاصر است و جز فعلیات را طالب نیستند و غیر از خوراک و پوشاک، فکری ندارند و بزرگترین دردی را که تصور می‌کنند، همانا درد شکم است. اگر شکمشان سیر شد و پوشاکشان نرم و لطیف گشت قدم به تمام حقوق اجتماعیشان می‌زنند؛ چه، غیر از خوراک و پوشاک، حقوقی را نمی‌دانند. و معلوم است که هر چه وسائل تحصیل^۳ این امر مهم بیشتر شود، فراوان تر و ارزان تر می‌شود و طریق رسیدن به این وسایل، تحسین^۴ حال صنّاعین^۵ و زارعین است که هر چه حال ایشان سعه^۶ پیدا کند و مالشان زیاد شود و آلات و ادوات امور مذکوره فراوان تر گردد، خوراک و پوشاک زیاد و فراوان و ارزان می‌شود.

دولت بریتانیا که اولین سیاستدان عالم است، بدین جهت اولین کاری را که در مستعمرات خود می‌کند، تأسیس بانک زراعت و شرکات^۷ تجارت و کارخانه‌های صناعت است. قومی که غیر از نان و لباس دردی ندارند و چیزی را تصور نمی‌کنند، در حال مشاهده این ترتیبات و این ارزانی و فراوانی، چه حالی پیدا خواهد کرد و به چه درجه انگلیس را می‌پرستند (باید از هندی‌ها پرسید!؟) ای کاش منافع این امور، به اهالی برمی‌گشت؛ نه، بلکه تمام به کیسه خود دولت بریتانیا برمی‌گردد و نفع اهالی فقط خوردن و پوشیدن است.

سیم، اشاعه منکرات قوه حیوانیه انسان، اولین دشمن هیئت اجتماعیه است و پیوسته انسان [را] به ارتکاب قبایح و منکرات دعوت می‌کند و جز عقل؛ رادع و مانعی ندارد. و این دو قوه

۱. اشغال کردن، تصرف نمودن

۲. شهر

۳. به دست آوردن

۴. در اینجا به معنی بهبودی

۵. صنعتگران

۶. فراخی، توانایی

۷. واژه مطابق با اصل سند است.





متضاده چون سایر قوا قابل زیاده و نقصان است، اعمال هر یک از این دو قوه در آنچه طالب است سبب نمو و زیادتی آن می‌شود. و بالفرض، قوم جاهل قوه عقلیه ایشان معطل و ابداً در معارف و کمالات که مطلوب اوست اعمال نشده و قدرت مقاومت را با قوه حیوانیه ندارد و لازمه این حال، زیاد و نمو کردن قوه حیوانیه به جهت اعمالش در آنچه مطلوب اوست و ضعف و نقصان قوه عقلیه به جهت ترک و اهمال و عدم اعمالش در آنچه مطلوب اوست، تا به جایی رسد که وجود این چنین شخص، عین شرّ می‌شود و این گونه اشخاص در ملل جاهل، غالب و فراوان است، اگر همه آنها چنین نباشند.

دولت بریتانیا که از طباع^۱ و حیات بشری آگاه است، به مجرد^۲ در قبضه آوردن یک قطعه، تمام سعی و کوشش خود را در نشر قبایح و اشاعه منکرات مبذول می‌دارد و آزادی مطلق را اعلان می‌کند. ملل جاهل که قوای عقلیه ایشان به هضم^۳ رابع رسیده^۴ و قوای حیوانیشان چون شیر درنده در کار است، کمال سعادت خود را در این حال می‌دانند و شب و روز مشغول این امور می‌گردند و مفاسد این وضع، حاجت به شرح ندارد بلکه برای ملت جاهل تمامش ضرر و زیان و به جهت بریتانیا تمامش نفع و ریح^۵ است. ملت بیچاره را به این امور مشغول و سرگرم می‌کند و خود مشغول کار خود می‌شود.

چهارم، تعمیر^۶ و آسایش. انسان بالطبع خوشش می‌آید از لباس و خوراک و مسکن خوب و مَر کب و پیوسته در تحصیل این امورات و فراهم آوردن اسباب تعیش و زندگانی کوشش می‌نماید و رنج‌ها و مشقت‌ها در راه تحصیل آسایش خویش می‌کشد و حالتی دارد که اگر دیگری آمد و این امور را برای او ترتیب داد، معلوم است او را پرستش خواهد کرد.

دولت انگلیس در مستعمرات خود که اهالی و ساکنان آن زمین‌ها به غیر از این امور چیزی طالب نیستند، جداً در صدد فراهم آوردن این امور می‌شود: راه‌ها را شوسه می‌کند، گاری‌های آتشی^۷ راه می‌اندازد، مَر کب‌های بخار حرکت می‌دهد، کارخانه‌ها و فابریک‌ها^۸ تأسیس می‌نماید، کوچه‌ها و خانه‌ها را تعمیر می‌کند، چراغ‌ها و الکتریک روشن می‌نماید، قصرها و باغ‌ها و تماشاخانه‌ها ترتیب می‌دهد، و واقعاً این قطعه را از جمیع جهات مانند بهشت

۱. جمع طبع: سرشت‌ها، خوی‌ها

۲. در اصل: تجرد

۳. به هضم رابع رسیدن: از دست رفتن، از میان رفتن

۴. سود

۵. آبادانی

۶. گاری‌های آتشی: اتومبیل

۷. تلفظ ترکی واژه انگلیسی فابریک: کارگاه، کارخانه

می‌نماید. برای چه؟ برای آسایش مردم و نوع پرستی و خیرخواهی که دارد. ولی منافع خود را دون^۱ دیگران می‌برد.

شخص که سابقاً مسکن خود را در یک اطاق سیاه می‌دید، لباس خویش را قطعه کرباس مشاهده می‌کرد، خوراک خود را ارزن و جو می‌دید، مرکب خود را الاغ لنگ مشاهده می‌نمود، راه‌ها را پر از گل و سنگ و چدن می‌دید، اگر این اوضاع حالیه را در اروپا ببیند چه حالی خواهد داشت؟ (از هندیان و مصریان باید پرسید).

پنجم، القای خلاف. اختلاف مابین عناصر و ملل و اقوام مختلفه و ارباب ادیان و صاحبان السنه متباینه^۲ از قدیم الایام بوده و تا آخر خواهد بود، و کم قطعه و شهری است که از این اختلاف سالم باشد، و بسا خون‌ها به جهت این اختلاف ریخته و مال‌ها تلف شده است.

دولت بریتانیا چون اولین پولتیک^۳ دان عالم است، در القای فتنه و فساد، زیاده از حد ماهر و استاد است؛ خاصه اگر زمینه را قابل دید. و چون به خوبی می‌داند که اتفاق و اتحاد اهالی موجب خسران و زیان او خواهد شد، پیوسته در مستعمرات خود فتنه‌انگیزی می‌کند. شیعه را با سنی، شیخی را با بابی، پرتستان را با کاتولیت، هندو را با گبر، بهم می‌اندازد و هر یک را در نظر دیگری مبعوض و دشمن قرار می‌دهد و خود با کمال آرامی و بی‌مانعی مشغول کار می‌شود. تا به حال خیر خواهان هند نتوانسته‌اند که میان شیعه و سنی را اصلاح نمایند، یا مسلمان و هندو را در استقلال خود متفق سازند؛ چرا، به جهت بوتلیکات دیپلوماسی‌های دولت بریتانیا. هندو در صدد استقلال می‌شود، مسلمانان را بر ضد آنها می‌گمارد، سنی با شیعه در تعظیم شعائر خود کوشش می‌کند، یکی را به دیگری می‌اندازد؛ و به عبارت دیگر، اولین سیاست انگلیس در مستعمرات برپا نمودن جنگ خانگی میان اهالی و صاحبان بلاد است.

ششم، منع از معارف. اساس تمام ترقی‌ها و تمدن‌های عالم و رکن رکین استقلال و ثروت و حسن اداره دول و امم و اولین سبب آسایش و استقرار ملل، همانا علم و معارف است. ملت جاهل ابداً ترقی نخواهد نمود و روز به روز بر انحطاط و تَقَهُّر^۴ش افزوده می‌شود، بلکه به سوء اختیار، خود را اسیر و دستگیر دیگران و اغیار خواهد نمود.

ملت جاهل، از حقوق طبیعی و وضعیه [خود] خبر ندارد و شیرینی استقلال و عزت و شوکت را حس نمی‌کند؛ بالعکس ملت با علم و اقوام با معرفت دولت بریتانیا، از تجربیاتی

۱. در اینجا به معنی پایین‌تر، کمتر. در اصل: منافع را خود...

۲. السنه متباینه: زبان‌های متفاوت و مختلف

۳. برابر نهاد فارسی این واژه امروز سیاست است لیکن به معنی تزویر، نیرنگ، فریب و چشم‌بندی هم به کار رفته است.

۴. به فقرا شدن، به عقب رفتن





که در این چندین صد سال عمر نموده، این معنی را به دست آورده و در حفظ جهالت و نادانی اهالی مستعمرات خود کوتاهی نمی کرد و هیچ گاه نشر معارف و علوم در مستملکات خود در خاطر شریفش خطور نکرده، بلکه کوشش‌ها در منع معارف می نماید و اهالی را به چند مدرسه سطحی گول می زند که نتیجه دوستی او، جز فقد^۱ احساسات قومیه وطنیه برای اهالی ندارد. در تمام هند که سیصد و اندی ملیان نفوس دارد، مدارس رسمی و غیر رسمیش به سیصد نمی رسد؛ چرا، به جهت بقای اهالی بر جهل و نادانی و ندانستن حقوق اجتماعی و مدنی خویش را.

هفتم، ترسانیدن اهالی. رعب و خوف، اولین سبب اضمحلال و زوال هر قوم و ملیت است. قومی که رعب دیگری در دل هایشان جا گرفت، دیگر توقع عزم و حزم و استقلال از ایشان محال [است]. رعب، بهتر از هزار قوه عسکریه^۲ کار می کند و چنان دل‌های طرف مقابل را می میراند که به حس و حرکت، چون جدار می شود.

دولت انگلیس کهنسال، پیوسته این رشته را در مستعمرات خود پی کرده، به هر طریقی که ممکن شود، رعب خود را در دل‌های ساده لوح جا می دهد. به فرامین سخت و تهدید و توعد^۳ به نمایش‌های عسکری و کشتی‌های زره پوش جنگی به نشر شجاعت و جلادت عنصر انگلیس سکسونی^۴ به ذکر حُرُوب^۵ و جنگ‌های خود که غلبه با وی بود، به جراید و روزنامه‌ها چنان می کند که بیچاره اهالی مستعمرات انگلیس را که می شنوند، به جای خود خشک می شوند و قدرت بر حرکت ندارند و جهلاً چنین خیال می کنند که دولت بریطانیا بر هر چیزی قادر و هیچ چیز او را عاجز نمی کند. برای چه؟ برای آن که مبادا روزی بر علیه او قیام کنند و حقوق خود را بخواهند.

هشتم، فقیر نمودن اهالی. ثروت، اساس هر کاری و اولین وسیله هر اصلاحی است. ملت به استقلال نخواهد موفق شد مگر به اسباب، و این اسباب فراهم نخواهد شد مگر به ثروت پول. پس ثروت، روح هر قوم و ملت است و ملت فقیر چون جسم بی روحی است.

دولت انگلیس در مستعمرات، تمام فکر خود را در فقیر کردن اهالی و نقل^۶ ثروت ایشان به لندن مبذول می دارد و به دسایس و حیَل، تعقیب این رشته را می کند. امتعه کم‌مایه می آورد

۱. گم کردن. در اصل: نتیجه جز دوستی او...

۲. نیروی نظامی

۳. وعده دادن

۴. انگلوساکسونی

۵. جمع حرب: به معنای جنگ

۶. انتقال

به قیمت‌های گزاف می‌فروشد، راه‌های شوسه و گاری‌های آتشی و مرکب‌های بخار درست می‌کند، و پول اهالی را جمع می‌نماید. بانک‌ها و شرکت‌های تجاری تأسیس می‌نماید و ثروت اهالی را می‌گیرد، نوط^۱ و کاغذ دو پولی ترتیب می‌دهد و پول اهالی را در لندن جمع می‌کند. بالأخره اهالی را به هر طوری که هست فقیر و بی‌چیز و جیره‌خور خویش قرار می‌دهد که دارای هیچ ثروتی نباشند. چرا؟ به جهت عدم استعداد^۲ و ذخیره کردن آلات و ادوات ناریه^۳ و عدم استطاعت و قدرت بر خرید و فروش آن.

آیا می‌دانی که چرا هندی‌ها این قدر لاغرند یا نه؟ به جهت آن که دولت بریتانیا چون افعی خون آنها را می‌مکد و جز پوست و استخوانی برای آنها باقی نگذاشته تا کار به جایی رسید که هر ده دوازده خانوار^۴ به یک دیگ قناعت می‌کردند و جبراً و قهراً مردمان قانع شدند. و آیا از این قوم، توقع استقلال توان کرد؟ نمی‌دانم. تا بنگالی‌ها چه بگویند و چه می‌کنند؟ اگر مسلمانان بگذارند.

نهم، سلب قوای ماده. بقای هر ملت و قومی به دو قوه است: ماده و ادبیه^۵ و تا این دو قوه را دارا نباشند حقوق خود را حافظ نتوانند شد.

دولت بریتانیا هر چه توانسته و دانسته تمام قوای ادبیه مستعمرات را سلب کرده، عطف عنان به سوی قوای ماده می‌کند. قشون وطنی را کم از کم از کار می‌اندازد و ضباط^۶ و سرداران را از عسکر خود قرار می‌دهد و ترقی عساکر وطنی را محدود می‌نماید، چنان که در مصر و هند کرد و فعلاً عسکر هندی بیش از یوزباشی^۷ رتبه‌اش ترقی نمی‌کند.

قوه ماده اگر از وطنین بیرون رفت و سلب شد و قشون وطنی از کار افتاد و قشون انگلیس بر سر کار آمد و قوه را به دست خود گرفت، توقع شورش و حقوق‌طلبی از اهالی مستعمرات چگونه باید داشت و به کدام قوه اهالی بیچاره حقوق خود را طلب نمایند؟ خاصه این سرذمه قلیله^۸ که از قشون وطنی باقی می‌ماند، بعد از مدتی احساسات وطن خود را از دست خواهند داد، به برکت معلم و تأثیر استاد و شاگرد طبیعی است.

۱. اسکناس

۲. آمادگی‌های نظامی، نیرو و تجهیزات جنگی

۳. سلاح‌های جنگی و آتشین

۴. دراصل: خانه‌دار

۵. علمی، فرهنگی

۶. جمع ضابط: درجه‌داران ارتش

۷. از درجات نظامی. فرمانده صد نفر سرباز

۸. گروه اندک





دهم، نشر مذهب نیشریه. ^۱ قوام امم و ملل عالم به دین و اعتقاد به عالم غیب، و زوال و فنای بنی آدم و دول، به لامذهبی و ترک دیانت است؛ چنانچه در محل خود مذکور شده و تاریخ به ما نشان می‌دهد و مرحوم فیلسوف شرق اسلامی سید جمال‌الدین همدانی شهیر به افغانی در رساله خود که در بطلان مذهب نیشری تألیف کرده، ^۲ مشروحاً ذکر کرده دولت انگلیس با وجودی که مذهب رسمی او پروتستانی است، در مستعمرات بیرق بی‌دینی و لامذهبی را بلند می‌کند و مردم را به ترک دیانت دعوت می‌نماید. برای چه؟ برای انقراض و زوال عادات و اخلاق و احساسات دینیه و وطنیه ایشان؛ چنانچه در مصر کرده و سید احمدخان ^۳ و شاگردش صنیع‌الله‌خان را به همین جهت ^۴ در هند تأیید نموده و مقربش کرده و مدرسه علیکده ^۵ را که اولین دشمن مطلق دیانت است تأسیس نموده و به جهت نتایج حسنه‌ای که از آن خدمت و این مدرسه عاید انگلیس شد، پیوسته در صدد ترویج و توسعه آن است و هر چندی به عنوان اعانه، لُکوک ^۶ روپیه جمع می‌نماید. و به طور قطع می‌گوییم که تا مدرسه علیکده موجود و دائر است، توقع خیری از هندی‌ها نباید کرد و به استقلال نخواهد نائل شد.

این است سیاست دولت بریطانیا در مستعمرات خود. و مادامی که بر این امور ده‌گانه محافظت می‌کند، آسوده‌خاطر در بستر استراحت با کمال راحت خواهد خوابید و ابداناً انظار سیاسیه ارباب جراید خاصه شرقیان نخواهد او را متزلزل کرد. فقط چیزی که او را خوب متزلزل می‌کند، رقابت سایر دولت اروپ است و آن هم کم‌کم رفع خواهد شد؛ چه، برای همه ثابت شده که ازدیاد مستعمرات، موجب عدم ترقی اصل مملکت و دولت است. آلمان به این درجه به ترقی و شوکت نرسید مگر به جهت ترک استعمار، به برکت دیپلوماسی اول عالم پرنس بسمارک.

کر بلا: سید صدرالدین ^۷

۱. مذهب نیشریه یا نیچریه: مکتب مادی. آیین یا مکتب فکری که به اصالت ماده یا طبیعت اعتقاد دارد و خدا را انکار می‌کند.

۲. منظور، رساله رد نیچریه است که در پاسخ از نست رنان فیلسوف فرانسوی تألیف کرد. برای اطلاع از نظر رنان و پاسخ سید جمال، رک: حمید عنایت، سیری در اندیشه سیاسی عرب، تهران، امیر کبیر، ۱۳۵۸، ص ۱۱۳-۱۰۴ و نیز: سید جمال‌الدین اسدآبادی، نیچریه یا ناتورالیسم، جعفر سبحانی (مقدمه)، سید طیب جزایری (تنظیم و پاورقی)، دارالکتاب، قم، بی‌تا؛ سید جمال‌الدین اسدآبادی، نیچریه: مادگیری، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، بی‌تا؛ سید هادی خسروشاهی (به کوشش)، مجموعه رسائل و مقالات سید جمال‌الدین اسدآبادی، تهران، کلبه شروق، ۱۳۷۹.

۳. از نوآندیشان مسلمان هند و مؤسس دانشگاه علیگره بود که برای رفع محرومیت و عقب‌ماندگی مسلمانان هند، سیاست مسالمت با حاکمان انگلیسی هند را همراه با نشر دانش‌های نوین اروپایی در پیش گرفت.

۴. در اصل: جته

۵. علیگره

۶. جمع لک: هر لک معادل صد هزار

۷. [روزنامه] شمس، س ۳، ش ۱۰، مورخ ۶ صفر ۱۳۲۹ ق، ص ۸-۶.

